

استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی:

راه خوب، نرخ ارز پایین و یارانه دادن به صادرات است

دکتر مهدی تقوی، استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی و مدیر گروه اقتصاد پژوهشکده امور اقتصادی، معتقد است دولت باید به صادرات یارانه بدهد و در مقابل، نرخ ارز را پایین نگه دارد. او می‌گوید مطابق نظریه «برابری قدرت خرید» نرخ ارز باید با توجه به تفاوت بین نرخ تورم دو کشوری که با یکدیگر تجارت می‌کنند اصلاح شود.

موضوع نرخ ارز اخیراً دوباره در جامعه اقتصادی مطرح شده و بخش بازرگانی و تولید، تقاضاهایی در مورد تعدیل آن مطرح کرده‌اند. با توجه به موقعیت کنونی اقتصاد کشور، شما به‌عنوان کسی که در این زمینه کار کرده است، چه پیشنهادی مطرح می‌کنید؟

□ اگر نرخ ارز به‌طور مصنوعی پایین نگه داشته شود، در واقع به زیان صادرکننده است.

سه دیدگاه

تنوع دیدگاه‌ها در مورد نرخ ارز و کنترل و هدایت سمت و سوی تغییر آن در کشور ما بسیار بالاست. گروه‌های اجتماعی دیدگاه‌هایی متفاوت دارند و درون همین گروه‌ها نیز تنوع در حداکثر خود دیده می‌شود. گزارشگران نشریه با یکی از کارشناسان بانک توسعه صادرات، یکی از مدیران اتاق بازرگانی و یکی از اساتید دانشگاه گفتگو کرده‌اند...



قدرت و تشخیص خرید سهام یا سرمایه‌گذاری هستند، در بانک‌ها باقی می‌ماند و منابع سرمایه‌گذاری بانک‌ها تحلیل می‌رود. خونی که به این ترتیب باید از طریق اعتبار به صنایع برسد، قطع می‌شود. آنچه هم به عنوان وام داده می‌شود، برای وام‌گیرنده بدون هزینه خواهد بود یعنی کسی بهره وام پرداخت نمی‌کند و مبلغ اضافی هم نزد او باقی می‌ماند. این همان هزینه فرصت پولی است که گرفته‌اند. نتیجه این می‌شود که برای وام‌گیرنده، بهشت و برای پس‌اندازکننده، جهنم پدید آورده‌اید. رانتی که گفته می‌شود، همین است. پس‌اندازها ذوب می‌شود و به کشتزار کسی می‌ریزد که با نرخ‌های پایین بهره، وام برای کار تجاری می‌گیرد. به این می‌گویند سرکوب مالی.

برای آنکه این وضعیت سرکوب از بین برود، آیا می‌توان فرمولی برای جامعه ما عرضه کرد که حالت دستوری نداشته باشد؟

□ فرمول نمی‌خواهد. اولاً دخالت در مورد نرخ بهره در همه دنیا هست. آمریکا و انگلیس به‌طور کامل دخالت می‌کنند. برای آنکه این نرخ‌ها حالت متعادل داشته باشند باید پیش‌شرط‌هایی که وجود دارد، رعایت کنید. برای رسیدن به نرخ بهره واقعی، باید تورم را مهار کرد. وقتی تورم مهار شد می‌توان نرخ بهره را کاهش داد. در یک حالت متعادل نرخ بهره همیشه یک تا یک‌ونیم درصد بیشتر از نرخ تورم است.

رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تهران:

تعیین نرخ ارز به صورت امریه قابل دوام نیست

یحیی آل‌اسحاق رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تهران در گفتگوی اختصاصی با خبرنگار نشریه بانک توسعه صادرات در خصوص فرمول مناسب برای تعیین نرخ ارز می‌گوید: «نرخ ارز باید به صورت ارشادی و مدیریت‌شده انجام شود. عامل اجرایی این مساله هم بانک مرکزی است. اما نکته اینجاست که باید تصمیم بگیریم آیا فقط دلار را محور مبادلات خود قرار بدهیم یا سبیدی از ارزهای مختلف داشته باشیم. به نظر من، وزارت اقتصاد و بانک مرکزی باید تمام توان خود را صرف کنترل نرخ سبیدی از انواع ارزها کنند.»

رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تهران معتقد است: «جایگاه نرخ ارز با توجه به ساختار اقتصادی ما و مساله نفت که عمده درآمدهای ما از آن حاصل می‌شود مشخص می‌شود. وابستگی به درآمد حاصل از نفت، اقتصاد ما را به ارز وابسته کرده است. در مجموع نوع تعاملات کشور در عرصه بین‌المللی از جمله واردات و صادرات و سرمایه‌گذاری‌های ما به گونه‌ای است که مساله نرخ ارز در سرنوشت اقتصادی کشور حتی مصرف‌کننده‌ها نقش کلیدی دارد.»

می‌پرسیم به اعتقاد او، آیا نرخ ارز کنونی به نفع اقتصاد کشور هست؟ آل اسحاق می‌گوید: «مقوله همه جانبه بودن نرخ ارز، این مساله را پیچیده کرده است. بنابراین ابعاد موضوع بسیار وسیع است و با اظهارنظرهای سطحی نمی‌توان در مورد آن حکم صادر کرد. در بعضی اقتضات، پایین بودن نرخ ارز به نفع کشور است و در برخی موارد، بالا بودن آن. برای مثال در مورد صادرکنندگان، اگر نرخ ارز افزایش پیدا کند، بهتر است؛ چون درآمد بالاتری خواهند داشت، اما برای تولیدکنندگان، وارد کنندگان و سرمایه‌گذاران، گران‌تر شدن نرخ ارز، به معنای افزایش هزینه‌هاست.»

وی توضیح می‌دهد: «فرض کنیم نرخ دلار ۱۵۰۰ تومان شود، آن وقت سرمایه‌گذار برای یک واحد تولید سیمان مثلاً به ۴۰۰ میلیارد تومان نیاز خواهد داشت، در حالی که اگر نرخ دلار ۱۰۰۰ تومان باشد، هزینه سرمایه‌گذاری حدود ۲۰۰ میلیارد تومان است؛ یعنی تا این حد اختلاف در مورد سرمایه‌گذاری وجود دارد. در مورد کالاهای مصرفی مثل گندم، فولاد و یا مواد اولیه هم اگر نرخ ارز بالا باشد، قیمت محصول تمام شده

متطابق نظریه «برابری قدرت خرید» نرخ ارز باید باتوجه به تفاوت بین نرخ تورم دو کشوری که با یکدیگر تجارت می‌کنند، اصلاح شود. اگر نرخ ارز ثابت نگه داشته شود، قدرت صدور صادرکنندگان کاهش می‌یابد. از طرف دیگر، واردات ارزان خواهد شد. به این معنا که اگر دلار هزار تومانی به دو هزار تومان برسد، قیمت آنچه وارد می‌شود دو برابر خواهد شد، اما اگر دلار ۵۰۰ تومان باشد قیمت واردات ارزان می‌شود، ولی صادرات به شدت کاهش می‌یابد.

واقعیت آن است که اگر نفت از اقتصاد ایران حذف شود، ما چیز زیادی صادر نمی‌کنیم. مقدار آن البته کم است ولی امتیاز آن اشتغال‌زایی است. من از قبل هم گفته‌ام که درست است صادرکنندگان در حال از دست دادن بازارهای خود هستند، ولی این تنها به علت نرخ ارز نیست. صادرکننده ایرانی به فکر این نبوده است که کالای باکیفیت تولید کند. مثال آن زعفران و گیاهان دارویی است که بیشتر فله‌ای صادر می‌شود و روی کیفیت آن کاری انجام نمی‌شود و اسپانیا این محصولات را به صورت باکیفیت درمی‌آورد. علت اصلی آن نیز وجود درآمد نفت است که اجازه نداده درآمد صادرات غیرنفتی به شاخص مهمی در اقتصاد ما تبدیل شود.

راه‌حل بهینه این است که برای جلوگیری از بروز تورم ناشی از افزایش قیمت ارز در اقتصاد، نرخ ارز توسط دولت حفظ شود. یعنی ارزش کمتر از واقع به آن بدهد و قدرت صدور صادرکنندگان را از طریق یارانه‌هایی که به آنها می‌پردازد، افزایش دهد.

درباره نرخ مطلوب و بهینه ارز آیا اخیراً مطالعاتی شده است؟

□ کار چندان سختی نیست و البته متنوع می‌توان پاسخ داد. می‌توان نظریه نرخ ارز یا نظریه پولی را انتخاب کرد و مشخص کرد با توجه به رشد مقداری پول در ایران و برای مثال در ایالات متحده، نرخ مناسب برابری چقدر است. می‌توان نظریه برابری قدرت خرید را انتخاب کرد و براساس آن گفت این نرخ چقدر باید باشد. البته نرخ واقعی همان اشکالی را دارد که گفتیم، در واقع نرخ بالا از طریق گران کردن واردات، تورم را دامن می‌زند و نرخ پایین، صادرکنندگان را با مشکل دچار می‌کند. راه‌حل خوب آن، دادن یارانه به صادرات است.

دادن یارانه به صادرات با توجه به آنچه در چشم‌انداز اقتصاد ما قرار دارد و آن هم پیوستن به WTO است، راه‌حل مناسب و تعیین‌کننده‌ای به نظر نمی‌رسد.

□ من شاید یکی از معدود کسان مخالف پیوستن به WTO باشم و به شدت هم مخالفت می‌کنم. گالبرایت کتابی دارد به نام «نظریه قدرت همسنگ» که می‌گوید وقتی دو کشور با یکدیگر مبادله می‌کنند، در صورت داشتن قدرت اقتصادی برابر، هر دو طرف سود می‌برند. اما وقتی سطح قدرت اقتصادی آنها متفاوت است، حتماً آن کشور دارای قدرت اقتصادی بالاتر، از مزایای تجارت بهره بیشتر می‌برد. نظریه پریش می‌گوید: دو کشور وجود دارند؛ کشورهای مرکز و کشورهای پیرامون. کشورهای مرکز همان صنعتی‌ها هستند که قدرت اقتصاد بالا دارند و کشورهای پیرامون به کشورهای در حال توسعه می‌گویند. طبق این نظریه از طریق رابطه مبادله، منافع تجارت از کشورهای پیرامون به کشورهای مرکز انتقال می‌یابد. با بررسی آن، مشاهده می‌کنیم گروه اول تولیدکنندگان مواد خام هستند که قیمت آنها نسبت به محصولات صنعتی، در حال کاهش است. این مبادله مزایای تجارت را از این کشورها به کشورهای مرکز انتقال می‌دهد. پیوستن به سازمان تجارت جهانی، زمانی خوب است که یک اقتصاد حرفی برای گفتن داشته باشد.

آیا می‌توان یک فرمول مناسب برای نرخ سود به اقتصاد ما عرضه کرد تا تکلیف روشن باشد؟

□ بحثی در اقتصاد جهانی وجود دارد که به آن «سرکوب مالی» عنوان داده‌اند. معنای آن این است که اگر نرخ بهره را کنترل کنید، نرخ بهره واقعی که معادل نرخ بهره اسمی منتهای تورم است، عددی منفی از کار در می‌آید؛ یعنی پس‌انداز را کاهش می‌دهید، زیرا به جای پس‌انداز، مصرف را تشویق کرده‌اید. با نرخ بهره ۹ درصد و تورم ۱۵ درصد کسی پس‌انداز نمی‌کند. سرمایه از اقتصاد بیرون می‌رود، زیرا با این ترتیب در حال جریمه کردن پس‌اندازکنندگان هستید. پس‌اندازهای فردی که متعلق به افراد فاقد

در اقتصاد ایران متکی بر درآمد ناشی از صادرات غیرنفتی بود، آنگاه نرخ ارز ناشی از عرضه و تقاضا هم به طور طبیعی نرخ بهینه ارز محسوب می‌شد. به هر حال بانک مرکزی همین نوسان‌ها را هم مدیریت می‌کند. برای مثال اگر نرخ دلار را در کشور بررسی کنید متوجه می‌شوید که شاید در طول سال ۵ درصد و یا یورو ۱۵ الی ۲۰ درصد رشد داشته باشد، در حالی که بررسی‌هایی ما نشان می‌دهد در بازارهای بین‌المللی، نرخ یورو در مقابل دلار به مراتب بیش از اینها جابه‌جا می‌شود. سیاست بانک مرکزی در سال‌های اخیر این بوده که براساس سید ارزی که دارد این جابه‌جایی‌ها را کنترل کند و در سید ارزی بانک مرکزی، نسبت ارزها به همدیگر و تغییرات آنها منجر به ارائه قیمت می‌شود. با تمام این اوصاف بعضی‌ها معتقدند که نرخ ارز نرخ واقعی نیست. از نظر کارشناسی نرخ یورو و دلار باید از رقم فعلی بیشتر باشد. به هر حال نرخ ارز فعلی به هیچ وجه به نفع صادرکننده نیست. و همین موضوع باعث شده که صادرات از رونق بیفتد و در عوض، واردات کالا و مواد اولیه بیشتر شود، شاید بانک مرکزی ترجیح می‌دهد نرخ ارز را در این حد نگه دارد تا بتواند تورم را کنترل کند.

تعریف شما از نرخ ارز تعادلی چیست؟

این مفهوم جدیدی است که در این خصوص باب شده است. امروزه در کشور ما نرخ ارز شناور مدیریت شده مصطلح است؛ یعنی نرخ ارزی که ضمن شناور بودن، مدیریت می‌شود. آزاد نیست که براساس عرضه و تقاضا و یا در بورس تعیین شود و چون این نرخ از خود بانک مرکزی تعیین و مدیریت می‌کند و ثابت نگه می‌دارد، می‌گویند نرخ شناور مدیریت شده. اما سوال این است که آیا این نرخ برای اقتصاد کشور بهینه هست؟

نرخ ارز چطور و براساس چه عواملی تغییر می‌کند؟

نرخ ارز، نرخ بین‌المللی است. ارز در بازارهای بورس و بانک‌های دنیا معامله می‌شود و اتاق معاملات بانک‌های درجه یک اروپا و آمریکا نرخ ارز را تعیین می‌کنند. در واقع تعیین‌کننده آنها هستند. البته براساس عرضه و تقاضا و یکسری شاخص‌های دیگر که اطلاعاتش هر روز اعلام می‌شود؛ مثل نرخ تورم، نرخ بیکاری و مسائل اقتصادی این چنین. برای مثال اگر اعلام شود که این ماه کسری بودجه دولت آمریکا بیشتر شده، خبر این موضوع شاخص مثبتی برای دلار آمریکا نیست و معمولاً چنین اتفاقی باعث می‌شود که حجم دلار یا همان عرضه و فروش آن در بازار زیاد شود و در نتیجه قیمت آن کاهش پیدا کند. برعکس اگر شاخص‌های اقتصادی که در اروپا منتشر می‌شود رو به بهبود باشد، نرخ یورو تقویت می‌شود و تقاضا برای این ارز بالا می‌رود.

این محاسبات براساس فرمول خاصی صورت می‌گیرد؟

کاملاً براساس عرضه و تقاضاست. بازار ارز یک بازار ۲۴ ساعته است. به محض اینکه بازار نیویورک بسته می‌شود، بازار توکیو و سنگاپور باز است. بازار توکیو و سنگاپور همچنان فعال است که بازار اروپا باز می‌شود. قبل از تعطیلی بازار اروپا، بازار نیویورک دوباره شروع به کار می‌کند...

شاخص‌های اقتصادی براساس شرایط کشورها تغییرپذیر هستند. برای مثال دولت چین از آنجا که صادرات زیادی دارد، نرخ ارز را هم کنترل می‌کند. حتی کشورهای دیگر به خصوص آمریکا اعتراض کرده بودند که چرا نرخ برابری یوان چین در مقابل دلار، همواره پایین است. به هر حال همانطور که گفتیم تعیین نرخ ارز با وجود اینکه مسأله‌ای کاملاً بین‌المللی است اما مولفه‌های بومی در آن تاثیرگذار است. به فرض، بانک مرکزی ما نرخ ریال را نسبت به نرخ کنترل می‌کند. اگر به خاطر داشته باشید در گذشته به این شکل نبود و تا مدت‌ها نرخ دلار هفت تومان بود، اما بانک مرکزی ترجیح داد نرخ ارز را دوباره کنترل کند. البته گاهی اوقات بانک‌های بزرگ هم می‌توانند براساس شاخص‌های اقتصادی، در بالا یا پایین بردن یک نرخ دخالت کنند. مثلاً حجم زیادی یورو می‌خرند و قیمت آن را به تدریج بالا می‌برند و در اوج قیمت آن، حجم یوروی خریداری شده را در بازار عرضه می‌کنند. البته ممکن است براساس شرایط، چند ساعت بعد، درست برعکس عمل کنند.

به همان میزان افزایش می‌یابد. بنابراین مقوله نرخ ارز، به نقطه بهینه‌ای نیاز دارد که با توجه به اقتضات زمان و مکان تعریف می‌شود و ثابت نیست. در واقع تعیین نرخ ارز به صورت امریه، قابل دوام نیست، بلکه باید شرایط را سنجید و آن را در حالت تعادل نگه داشت. از سوی دیگر اگر بخواهیم تعیین این نرخ را به عهده بازار بگذاریم، به کمک دامپینگ، می‌توانند با تعیین نرخ ارز، یک صنعت را به خاک بنشانند یا به عرش ببرند. بنابراین تعیین نرخ ارز توسط بازار باید کاملاً با دقت انجام شود. این تصمیم که فولاد را با دلار ۷۰۰ تومان وارد کنیم یا ۱۵۰۰ تومان، کل صنعت فولاد کشور را زیر و رو می‌کند و در مورد مواد دیگر نیز به همین ترتیب. در عین حال، اگر نرخ ارز به ۹۰۰ یا ۷۰۰ تومان یا کمتر برسد، اولین نتیجه آن آثار بودجه‌ای خواهد بود و این سوال را مطرح می‌کند که کسری بودجه از چه محلی باید جبران شود؟! بنابراین یا باید کسری بودجه را قبول کنیم و یا نفت بیشتری بفروشیم و به بودجه تزریق کنیم.»

رئیس اتاق تهران توضیح می‌دهد: «با توجه به شرایطی که در مورد نرخ برابری دلار با ارزهای دیگر به ویژه یورو وجود دارد که مدام در حال نوسان است، به نظر می‌رسد اگر بانک مرکزی یک سید تعریف شده از ارزهای تاثیرگذار بر اقتصاد را تعیین و آن سید را مدیریت کند، خواهد توانست تمام مبادلات بین ارزهای مختلف را به صورت نظام‌مند تحت کنترل داشته باشد.»

وی می‌گوید: «این در واقع کار مشترکی است بین وزارت اقتصاد، بانک مرکزی و شورای پول و اعتبار و قسمتی از فعالان اقتصادی مثل اتاق‌های بازرگانی تا سیاست‌گذاری این سید ارزی را مدیریت کنند. این مجموعه، باید جامع‌الجهات باشد تا موضوع از زوایای مختلف دیده شود. محوریت کار با بانک مرکزی است که ساختاری را برای مدیریت این سید ارزی و انتخاب نقطه بهینه ارز تعریف کند. این گروه باید به هر یک از عوامل موثر بر نرخ ارز وزن بدهند و میزان تاثیر را مشخص کنند؛ در واقع یک سناریوی علمی با فرمول مشخص. اگر بانک مرکزی و وزارت اقتصاد و دارایی آمادگی داشته باشند، ما به عنوان نماینده بخش خصوصی آمادگی داریم این پروژه را برای چگونگی مدل تعیین نرخ ارز با توجه به شرایط کشور به صورت مشترک انجام دهیم. این طرح کاملاً یک طرح بومی است و ارزش صرف وقت را دارد.»

کارشناس ارزی بانک توسعه صادرات:

بانک مرکزی نرخ ارز را خوب مدیریت می‌کند

نرگس نجف‌زاده مسوول اتاق معاملات بانک توسعه صادرات در گفتگو با خبرنگار ما از ویژگی‌ها و باید و نبایدهای تعیین نرخ ارز توسط بانک مرکزی گفت. او می‌گوید آنچه اکنون در کشور شاهد آن هستیم، نرخ واقعی ارز نیست، بلکه نرخ شناور مدیریت شده است.

نظر تان در مورد نرخ فعلی ارز چیست؟

به نظر من این نرخ ارز، واقعی نیست. در واقع سیاست بانک مرکزی این است که این نرخ را ثابت نگه دارد و مدیریت کند؛ منتهی به قول خودشان شناور مدیریت‌شده؛ یعنی فقط تا حدی این نرخ را ثابت نگه داشته‌اند؛ و گرنه مثلاً ارزش درهم امارات الان سال‌هاست که در مقابل دلار یک عدد ثابتی است و هیچ تغییری نکرده است. به هر حال اگر عرضه ارز

